



Research Article

Transformations in the Family Institution during the Age of Occultation¹

Mehdi Mohammadzadeh Bani Tarfi

Assistant Professor, Department of Education, Shahid Rajaei Campus,
Farhangian University, Qazvin, Iran (**Corresponding Author**).
m.mohammadzadeh@cfu.ac.ir

Hamidreza Mashhadi

Assistant Professor, Department of Educational Sciences,
Shahid Rajaei Campus, Farhangian University, Qazvin, Iran.
mashhadi.h2000@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review transformation of the family institution before the reappearance of Imam Zaman (PBUH). The method of study is descriptive analysis and according to the narrations about transformations in family and society at the Age of Reappearance, the negative changes afflicting family at this age involve: Dissolution of ethics due to lack of rationality in family, secularism in families leading to the deterioration of the status and character of family members, freedom of women and the spread of feminist thoughts, negative transformation in the structure of family from traditional to modern, negligence in religious and spiritual upbringing of children. More negative transformations in the institution of family during the age of reappearance are as follows: Distancing from *Mahdaviat* culture and instructions due to lack of educating children in families as well as extremist materialism, the domination of worldly emotions or lack of rationality in families. With respect to the domino effect of ethical vices, if enough attention is paid to upbringing of children, other vices disappear in family and society as they will be replaced with virtues one after another.

Keywords: Family, Age of Occultation, Upbringing of Children, Narrations of the Age of Reappearance.

1. **Received:** 2020/12/29 ; **Accepted:** 2021/02/23

Copyright © the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>



دگردیسی‌های نهاد خانواده در عصر غیبت^۱

مهدی محمدزاده بنی‌طرفی

استادیار، گروه معارف، پردیس شهید رجائی، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران
m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir (نویسنده مسئول).

حمیدرضا مشهدی

استادیار، گروه علوم تربیتی، پردیس شهید رجائی، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران.
mashhadi.h2000@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی دگردیسی نهاد خانواده در دوران پیش از ظهور امام زمان (عج) است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و براساس روایاتی که تحولات عصر ظهور را در خانواده و جامعه بازگو می‌کنند، تحولات منفی دامن‌گیر خانواده در پیش از عصر ظهور عبارتند از: از میان رفتن اخلاق به علت عدم تعقل در خانواده، دنیاگرایی در خانواده‌ها که منجر به اضمحلال جایگاه و شخصیت افراد خانواده می‌شود، آزادی زنان و گسترش تفکرات فمینیستی، دگردیسی منفی در ساختار ظاهری خانواده‌ها از شکل سنتی به مدرنیته، کوتاهی در آموزش و پرورش دینی و معنوی فرزندان. همچنین در مورد تحولات منفی نهاد خانواده در دوران ظهور می‌توان به این موارد اشاره کرد: دور شدن از فرهنگ و آموزه‌های مهدویت به دلیل عدم آموزش و پرورش فرزندان در خانواده‌ها و مادی‌گرایی افراطی، چیرگی احساسات دنیوی یا فقر شدید خردورزی و تعقل در خانواده‌ها. با توجه به رابطه دمیونوی رذائل اخلاقی، اگر در تربیت فرزندان دقت به عمل آید، سایر رذیلت‌ها از خانواده و اجتماع، رخت برمی‌بندد و فضیلت‌ها، یکی پس از دیگری از راه می‌رسند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، عصر غیبت، تربیت فرزندان، روایات عصر ظهور.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین خصوصیات دوره پیش از ظهور امام عصر (عج) وجود تعارضات و فتنه‌های فرهنگی اخلاقی و دینی و رواج و تکثیر انواع مکاتب و باندهای ضد اخلاقی و ضد خانواده است. در این دوره ناهنجاری‌ها و قانون‌شکنی‌های دینی، بی‌حیایی و سنت‌شکنی ملی رواج می‌یابد و هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد و جوامع در مخاطره شدید قرار می‌گیرد. یکی از بدترین حملات و تخریب‌ها در این دوره، متوجه کانون خانه و خانواده است و گروه‌ها و مکاتب الحادی در این خصوص، پایه‌گذاری می‌گردند. از سوی دیگر، ارزش خانواده به حدی می‌باشد که باری تعالی به دو رکن اصلی آن، یعنی مذکر و مؤنث سوگند یاد کرده است: «و قسم به آن کس که جنس مذکر و مؤنث را آفرید» (لیل، ۳).

اساس و هسته نخستین هر جامعه‌ای، خانواده می‌باشد. هر تغییری در این هسته، منجر به بروز تغییراتی در سطوح بالاتر می‌شود. هم‌چنان که با تغییر در فرهنگ‌ها و سنت‌ها، تغییراتی عمیق و مشهود در کيان خانواده پدیدار می‌گردد. برای مثال «افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر» از عوارض تغییر در سطح خانواده‌ها از سنتی به مدرنیزه است. در این پژوهش، برای بررسی دگردیسی نهاد خانواده، به احادیثی توجه شده که به عنوان تغییرات مهم جامعه در عصر ظهور مطرح شده‌اند.

بدیهی است، بررسی دگردیسی نهاد خانواده فراتر از حوصله یک مقاله و حتی یک کتاب است، از این‌رو، نگارنده کوشیده است در این زمینه، فقط تحولات مثبتی را که در عصر ظهور رخ می‌دهد، مدنظر داشته و اساس کار خویش در این پژوهش قرار دهد و بر پایه آن فضائل و ردائل را به عنوان تحولات منفی خانواده پیش از ظهور مورد بررسی دقیق قرار دهد.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه دگردیسی خانواده و تحولات عصر ظهور تاکنون کتاب‌های مختلفی تدوین شده است، از جمله: *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*، به قلم رحیم کارگر، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه*، از محمدحسین فرجاد، *نظام حیات خانواده در اسلام*، نوشته علی قائمی، *خانواده و آسیب‌شناسی آن*، اثر منصور بیرامی، *آسیب‌شناسی اجتماعی ایران*، نوشته مجید مساواتی و مقالات فراوانی مانند مقاله *جامعه‌شناسی تحول در خانواده (بررسی ابعاد اجتماعی و حقوقی لایحه حمایت از خانواده)* پژوهشی از امیر نیکپی و رضوان پویا، مقاله *دگردیسی زن و خانواده*، از دفتر مطالعات زنان، مقاله *دگردیسی خانواده در جهان معاصر*، مقاله *سنخ احکام جدید در عصر ظهور امام زمان (عج)*، نوشته سعید ضیائی‌فر.

سیدعلی‌رضا هاشمی نیز مقاله‌ای با عنوان *تغییر الگو و عناصر فرهنگی از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای* نگاشته است. مقاله *سیمای منتظران مهدی در قرآن*، به قلم مهناز رحیمی و مقاله *عصر ظهور در کلام امام باقر(ع)*، نوشته کریم حیدری‌نهند، از دیگر مقالات مرتبط با این حوزه هستند. با این وجود، تاکنون پژوهشی که اساس دگردیسی خانواده در عصر انتظار را با رویکرد تحولات مثبتی که در این نهاد در عصر ظهور رخ می‌دهد، بررسی نماید، انجام نشده است. پژوهش حاضر، از این جهت نخستین کار انجام شده در این زمینه می‌باشد. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال اساسی است: براساس روایات، خانواده و جامعه پس از ظهور، دچار چه تحولاتی خواهد شد؟

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. انتظار

مفهوم انتظار در روایات مهدویت جایگاهی ممتاز دارد. «انتظار در لغت به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و به نوعی امید داشتن به آینده تعبیر شده است» (عمید، ۱۳۶۴، ص ۱۱۶۲). این واژه يك حالت روانی به همراه درنگ و تأمل می‌باشد. مسئله انتظار و حکومت حق و عدالت مهدی(ع) و قیام مصلح جهانی از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل شده است. این حالت یا آدمی را به عزلت و اعتزال می‌کشاند و منتظر را به سمت عنصر نفی متمایل می‌گرداند، و یا باعث حرکت، پویایی، اقدام، عمل و آمادگی وسیع می‌گردد، تا جایی که منتظر، همواره آماده قیام و مبارزه و جهاد است (رحیم‌پور، بی‌تا، ص ۱۳۰). البته اهل بیت(ع)، انتظار را عمل‌گرا قلمداد کرده و آن را مایه پویایی جامعه دانسته‌اند. چنین انتظاری سازنده است، زیرا «تعهدآور، نیروبخش و تحرک‌آفرین بوده و زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی(ع) می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۴۰۶). در مقابل آن، از انتظاری سخن به میان آمده که بی‌نتیجه باشد و آن انتظاری است که عمل‌گرا نباشد. امام باقر(ع) از پدراناش از پیامبر خدا(ص) نقل می‌کند که فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»، «برترین عبادت‌ها، انتظار فرج است» (صدوق، ۱۳۸۵، ص ۲۸۷).

امیرمؤمنان علی(ع) فرمود: «فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»، «محبوب‌ترین اعمال، نزد خداوند بلندمرتبه، انتظار فرج است» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۱۲۳).

۳-۲. دگردیسی

دگردیسی به معنای دگرگونی حالت و کیفیت دگردیسی می‌باشد. در کتاب‌های لغت با تفکیک معنای

اصطلاحی و لغوی دگردیسی، به دو شاخه معنایی آن اشاره شده است، در تعریف لغوی این واژه گفته شده که دگردیسی یعنی تغییر صورت، تغییر شکل بعضی جانوران در دوره زندگی، معمولاً بعد از دوره جنینی (عمید، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۹۵۷).

اما نخستین کاربرد اصطلاحی این واژه در زیست‌شناسی است. در این دانش، به دگرگونی‌های پدید آمده در مسیر رشد و تکامل یک موجود زنده، دگردیسی اطلاق می‌شود. از این‌رو، در فرهنگ واژگان، تغییر مشهود و کمابیش ناگهانی در شکل یا ساختمان یک حیوان در دوران زندگی مابعد جنینی، دگردیسی در دانش زیست‌شناسی جانوری نامیده شده است، همانند تغییر شکل نوزاد یک حشره به شفیره یا کفچلیز به قورباغه (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۹۶۵۲). همچنین، در ادامه کاربرد اصطلاحی این واژه، ژان پیاژه در تفاوت‌های گسترده تفکر کودکان از لحاظ کیفی با تفکر بزرگسالان، برای مجموع تغییرات در شیوه تفکر کودکان به شیوه تفکر بزرگسالان، واژه دگردیسی را بیان می‌کند (برونو، بی تا، ص ۶۷).

دگردیسی در کلام اندیشمندان اسلامی نیز به دو گونه است:

۱. دگردیسی عینی یا جسمی که ویژه صورت و طبیعت ظاهری است،
۲. دگردیسی اخلاقی یا درونی؛ به این معنا که انسان، صاحب اخلاقی پست و صفاتی ناپسند گردد و از همین رو، تشبیه به حیواناتی دارای این ویژگی‌ها - همانند کلب و خنزیر - شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۱۰۴).

۳-۳. خانواده

برای مفهوم خانواده، چندین تعریف ارائه کرده‌اند که هر کدام از این تعاریف به بُعدی از خانواده توجه نموده است:

- ۱) خانواده واحدی است اجتماعی، ناشی از پیوند مشروع مرد و زنی که فرزندان پدید آمده از این پیوند، آن را تکمیل می‌کنند،
- ۲) خانواده شامل مجموعه‌ای از افراد است که با هدف و اندیشه وصول به منافع مشترک، زیر سقفی قرار می‌گیرند و سرگرم زندگی هستند (امیری قائمی، ۱۳۹۲، ص ۷)،
- ۳) خانواده، از گروهی از آدم‌ها تشکیل می‌شود که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص با هم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷)،
- ۴) خانواده یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد است که فرزندان پدید آمده از آن‌ها، آن را تکمیل می‌کنند (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۱۸)،

۵) خانواده، سازمان اجتماعی محدود و نهاد سازنده‌ای است که از طریق ازدواج که یک قرارداد اجتماعی است، تشکیل می‌شود (فرجاد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰).

تعریفی که در دایرةالمعارف علوم اجتماعی از خانواده به دست داده‌اند، این است که خانواده، گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل بوده و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵).

۴. گونه‌شناسی دگردیسی نهاد خانواده

۴-۱. کم‌رنگ شدن ارزش‌های عقلانی و رفتارهای حکیمانه

محتوای برخی از روایات، این است که اساساً زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد می‌باشد، زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند بازمی‌دارد و او را به پاک‌گزینی و روشن‌بینی ایمانی و اخلاقی دعوت می‌کند. به عبارت دیگر، عقل همانند پیامبر درونی است که انسان‌ها را از ارتکاب اعمال زشت بازمی‌دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «العاقل من تورع عن الذنوب و تنزه من العیوب»، «خردمند کسی است که خود را از گناهان برحذر داشته، خویش را از عیوب پاک سازد (کارگر، ۱۳۷۸، ص ۲۶).

استاد مطهری، یکی از آسیب‌های جدی قرون اولیه اسلامی را «رجوع از تفکر واقع‌بینانه به خیال‌بافانه» می‌داند و آن را با عبارت «خوار شمردن تأثیر عمل در سعادت انسان» مترادف می‌داند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

براساس روایات مهدویت، در عصر ظهور، حکمت در جامعه و خانواده‌ها گسترش می‌یابد، «و تُوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ»، «در زمان او آن‌قدر به شما دانش و فرهنگ داده می‌شود که زنی خانه‌دار در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) حکم می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵؛ مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۳۵۲ و ۳۹۰).

حکمت، نقطه مقابل چیزی است که در عصر ظهور، عدم آن احساس شده و به عنوان یکی از نیازهای مردم، رفع خواهد شد. از این‌رو، یکی از تحولات منفی جدی خانواده‌ها، از میان رفتن حکمت و رفتارهای حکیمانه است. به عبارت دیگر، تعقل جای خود را به احساسات داده است. این احساسات، گاه در زمینه برقراری روابط با نامحرم، خود را نشان می‌دهد، فرد از درون، احساس خلاء عاطفی کرده و

نیاز احساسی خود را در جایی خارج از خانواده جستجو می‌کند.

«وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»، «به هر کسی حکمت داده شده، خیر فراوانی به او اعطاء گردیده است».

حکمت، صرفاً مجموعه علوم و دانش‌ها نیست، بلکه طبق احادیث و روایات، بخشی از این حکمت، شامل دانشی است که فرد را بر روح و روان خویش مسلط می‌کند، باعث می‌شود افراد خانواده از غلیان احساسات منفی در امان بمانند. حُسن نیروی خشم نیز در این است که انقباض و انبساطش به اندازه‌ای محدود شود که حکمت اقتضاء دارد. همچنین خیر و صلاح شهوت، در این است که به فرمان حکمت (عقل و دین) باشد (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۳۶). مهم‌ترین نشانه‌های کم‌رنگ شدن ارزش‌های عقلانی به شرح زیر است:

۴-۱-۱. خشونت و تندخویی

یکی از مهم‌ترین عوارض عدم تعقل و خردورزی، رفتارهای تندخویانه و غلیان احساسات بشری بر افراد است. رفتارهایی نظیر تندخویی، عدم کنترل خشم و آزار با زبان، از عدم خردورزی ناشی می‌شود. چاره را در این شرایط، مدارا دانسته‌اند. رفق و مدارا، حکیمانه بودن زندگی را به تصویر می‌کشد. در ارزش مدارا همین بس که در روایت آمده: «رفق و مدارا بر چیزی قرار نگیرد، مگر آنکه به زیبایی‌اش افزود، و از چیزی گرفته نشد، مگر آنکه بدنمایش کرد» (پاینده، ۱۳۷۶، ص ۷۰۳). در روایتی دیگر، اخلاق نیک را کلید سعادت شمرده‌اند. «حُسن خلق از سعادت شخص است و بدخلقی از بدبختی او» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۴۴۷). مدارا داشتن با فضائل دیگری پیوند دارد، از این رو «آنکه از مدارا بی‌بهره است، از خوبی هیچ بهره‌ای نبرده است» (همان).

مدارا و کنار آمدن، به نوعی پذیرش این نکته است که من نمی‌توانم به خاطر یک رفتار ناپسند همسرم، سایر رفتارهای خوبش را نادیده بگیرم. حکمت در خانواده، گستره‌ای عظیم دارد، بی‌شک نتایج آن در خانواده نیز، شامل موارد مختلفی خواهد بود.

۴-۱-۲. ظلم و ستم در خانواده‌ها

یکی دیگر از عوارض کم‌رنگ شدن ارزش‌های عقلانی، گسترش ظلم و ستم در خانواده می‌باشد، این مطلب در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «در آخرالزمان خواهی دید که پدران و مادران از فرزندان خود ناراضی هستند و عاق والدین، به شدت رواج یافته است. حرمت پدران و مادران به شدت سبک شده و خوار داشته شده، فرزند به پدرش تهمت

می‌زند، والدینش را نفرین می‌کند و از مرگ آنها مسرور است»^۱ (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۹، ص ۵۲۲). ظلم و ستم، در خانواده، مصادیق فراوانی دارد. اگرچه در حدیث یاد شده، تنها به ظلم به والدین اشاره شده است، وقتی سخن از ستم درون خانواده رفته باشد، بی‌شک همسرآزاری را نیز شامل خواهد شد. در حدیثی که تغییرات جامعه‌شناختی ایام ظهور را بیان می‌کند، از ستم و جهل به عنوان دو موردی که با عدل و حکمت جایگزین می‌شوند، یاد شده است: «يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْاَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جُورِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا»، «خدای عزوجل به وسیله او، زمین را پس از تاریکی آن از نور آکنده می‌سازد و پس از ستم آن، از داد پر می‌نماید و آن را پس از جهل و نادانی، از دانش مالا مال می‌کند» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۰).

ستم و جهل، رابطه‌ای متقابل دارند، هر جا جهل باشد، ستم نیز هست. بدیهی است که چنین تحول منفی با آموزش صحیح کودکان، قابل حل است. بخش دیگری از ستم‌های درون خانواده، همسرآزاری است. همسرآزاری، گاه با زبان و گاه با کردار بوده و در اغلب پژوهش‌ها به عنوان یکی از موارد جدایی و طلاق مطرح شده است. بی‌جهت نیست که در احادیث آمده: «هر مردی که به همسرش ضرر رساند تا آن‌جا که زن با پیشنهاد فدییه، خود را برهاند، خداوند به مجازاتی کمتر از آتش در حقش رضا نخواهد داد، زیرا خداوند همچنان که به علت ظلم به یتیم غضب می‌کند، برای ظلم به زن نیز غضبناک می‌گردد... و هر زنی که رشته ازدواج با همسرش را بگسلد، پیوسته در لعنت خدا و ملائکه و پیامبران و تمام مردم است تا زمانی که ملك الموت، وی را دریابد» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۲۸۲).

منت‌گذاری و آزار با زبان، از تحولات منفی‌ای هستند که در فقدان خردورزی پدیدار می‌شوند. «هنگامی که زن به شوهرش بگوید: هرگز از تو خیری ندیده‌ام، اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود» (پابنده، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸) و یا «هر زنی که با زبان، شوهرش را بیازارد، خداوند هیچ انفاق و عمل صالحی را از وی نمی‌پذیرد تا آن‌که رضایتش را جلب کند؛ اگرچه روزها را روزه بدارد و شب‌ها را قیام کند؛ هم‌چنین است مرد، آنگاه که در حق همسرش ستم روا دارد» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۶، ص ۳۳۴).

۱-۳. فساد اخلاقی و عدم امنیت اخلاقی در خانواده‌ها

گسترش فساد اخلاقی از جمله آثار ضعف خردورزی است. براساس روایتی از امام صادق (ع)، در دولت حق، روابط نامشروع زن و مرد، از جامعه اسلامی برطرف می‌گردد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷،

۱. به جهت محدودیت در کاربرد واژه، متن عربی برخی از احادیث، حذف شده است.

ص ۳۰۸). از این رو، یکی از تحولات منفی خانواده‌ها در عصر انتظار، همین روابط فرازنشویی است که امروزه از آن به عدم امنیت اخلاقی یاد می‌شود. معضل روابط فرازنشویی، معضل خانواده در تمام عصرها است، لیکن با توجه به روایات مربوط به عصر ظهور، این مسئله، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و یکی از مهم‌ترین کارکردهای دولت حق در بحث خانواده، زوال چنین روابطی است (همان).

۴-۱-۴. عدم غیرت‌ورزی مرد، و کنار آمدن با خطاهای فاحش همسر

در آخرالزمان، «مرد انحرافات جنسی همسرش را می‌بیند و بدون آنکه معترض وی گردد، از درآمدی که از خودفروشی همسرش کسب شده، ارتزاق می‌کند» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۷۷؛ مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۲۵۷). در حالی که، روایات به وجوب غیرت‌ورزی مردان برای حفظ حریم خصوصی و خانوادگی، اشاره صریحی دارند (پاینده، ۱۳۷۶، ص ۲۷۴ و ۵۸۷؛ حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۵۴).

۴-۱-۵. کوتاهی زنان در عفاف و حجاب

کوتاهی زنان در مراعات حجاب و عفاف یکی دیگر از عوارض منفی می‌باشد که دامن‌گیر خانواده در پیش از ظهور می‌شود، در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است. براساس روایتی، «زنان در آن زمان، بی‌حجاب، برهنه و خودنما خواهند شد» (شیخ صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۳، ص ۳۹۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۰۱).

در مقابل این رفتار ناپسند، بر طبق روایاتی، عفاف به عنوان نقطه مقابل چنین کردارهایی مطرح شده است، «هیچ بنده‌ای به زینتی آراسته‌تر از عفاف در دین و عفت در روابط جنسی آراسته نشده است» (پاینده، ۱۳۷۶، ص ۲۹۶).

۴-۱-۶. چشم‌چرانی مرد و زن

گناه چشم، یکی دیگر از عوارض سست شدن خردورزی می‌باشد. براساس روایات، به مرد و زن توصیه شده است موظب چشمان خویش باشند؛ چنان که مراقبت در نگاه، هم به مرد و هم به زن مربوط است. «نگاه بد، تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است، پس هر آن کس به سبب واهمه از خداوند آن را ترك کند، ایمانی به او خواهد داد که شیرینی آن را در دلش خواهد چشید» (شعیری، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۵).

۴-۱-۷. مهمانی‌های مختلط شبانه یا روزانه

ارتباطات نامطلوب مردان و قرار گرفتن در محیط‌هایی نظیر ویلاهایی که زنان و مردان نامحرم به

صورت مختلط مشغول آواز خواندن هستند و همان‌جا نیز شب را به صبح می‌آورند، یکی از عوامل شیوع فساد اخلاقی است. در روایات آمده است: «هر کس به خداوند و روز جزا ایمان دارد، نباید در جایی که صدای نفس زن نامحرمی را می‌شنود، شب را به صبح آورد» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۸۵). مردانی که با زنان نامحرم خلوت می‌کنند، خود تیشه به ریشه امنیت اخلاقی خانواده‌شان می‌زنند. «هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی‌کند، جز آنکه سومی آنان شیطان است» (پابنده، ۱۳۷۶، ص ۲۴۶). یکی از معضلات امروز جامعه، از میان رفتن حریم خصوصی افراد است؛ چنان‌که گاه، زنی در مقابل دیدگان شوهر، به راحتی با مردی نامحرم مصافحه می‌کند. «هر کس با زنی که بر وی حرام است، مصافحه کند، روز قیامت در حالی که زنجیر بر گردن دارد، خواهد آمد و سپس به سوی آتش، روانه خواهد شد، و شخصی که با زن نامحرم مزاح کند، به ازای هر کلمه سخنی که با وی گفته است، هزار سال حبس خواهد شد» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۹۸).

۴-۱-۸. رهبانیت جنسی

نامطلوب‌ترین وجه روابط زناشویی، زمانی است که زن یا شوهر، عامدانه از برقراری روابط جنسی با همدیگر سرباز می‌زنند. معمولاً در روایات و احادیث، از چنین کرداری، به «رهبانیت جنسی» یاد می‌کنند. گاه علت روی آوردن زوجین به روابط فرارزناشویی نیز همین پدیده است. رهبانیت جنسی یعنی کوتاهی یکی از طرفین به رفع نیاز جنسی طرف مقابل. احادیث و روایات مهمی در مورد نفی ریاضت جنسی و کوتاهی در انجام آن توسط زوجین در متون روایی آمده است. رسول‌الله (ص) در این باره می‌فرماید: «هر کس مایل است بر فطرت من باشد، باید از سنت من پیروی کند، و یکی از سنت‌های من، آمیزش با همسران است» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۰۶). حتی به ابوذر توصیه می‌نماید تا با برقراری رابطه زناشویی با همسر خویش، پاداش یابد. در این حال، ابوذر شگفت‌زده می‌پرسد: چگونه است که با چنین کرداری پاداش می‌یابم؟ توجیه رسول‌الله (ص) بسیار منطقی می‌باشد، چنان‌که می‌فرماید: همان‌گونه که عدم انجام آن، انسان را به گناه و مجازات سوق می‌دهد، پس انجام آن، مستوجب پاداش خواهد بود (همان، ج ۱۴، ص ۱۰۹).

۴-۱-۹. تساهل در برخورد با زانی و شیوع فسق و فجور

تساهل در برخورد با افراد خاطی، یکی دیگر از عوارض ضعف خردورزی به شمار می‌رود. بنابر روایتی در عصر ظهور: «يَذْهَبُ الزَّانَا»، «روابط نامشروع از بین می‌رود» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۴۷۴). از این روایت برمی‌آید که در عصر غیبت و پیش از ظهور، روابط نامشروع در میان مردم

روح دارد و جامعه، دچار چنین رذیلت اخلاقی شده است و خانواده‌ها سهل‌انگارانه با آن مواجه می‌شوند. اینکه جامعه اسلامی چگونه به این سمت کشیده می‌شود و چرا فسق و فجور در آن گسترش می‌یابد، باید در دوره تحول اخلاقیات در خانواده‌های اعصار پیش از آن جست. در عصر کنونی خانواده‌ای که فرزندان در معرض تجاوز جنسی قرار گرفته، بنا به توجیحات مختلفی، از ارائه شکوائیه به محضر دادگاه، سر باز می‌زنند؛ چنین تساهلی باعث فروریختن قبح زنا در جامعه خواهد شد. از این رو، جامعه تا عصر ظهور، چنان گرفتار چنین مسأله‌هایی خواهد بود که اعدام و قتل زانی، گویی بدعتی در دین و جامعه است. «لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ لَحَكَمَ بِنَالِثٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ: يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَ»، «هنگامی که قائم ما قیام کند، به سه چیز داوری کند که احدی پیش از او داوری نکرده است؛ پیرمرد زناکار... را می‌کشد...» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۹؛ ج ۲، ص ۳۰۹).

۴-۲. جایگزینی محبت افراد برگزیده اجتماعی بر محبت اهل بیت (ع)

یکی از عوارض عدم عقلانیت و خردورزی در خانواده‌ها، پرستش افرادی است که در فضای مجازی به شهرت رسیده‌اند و از آنها با عنوان «سلبریتی» یاد می‌شود. این افراد ممکن است بازیگر سینما، شاعر، نویسنده، آوازه‌خوان، سیاست‌مدار، ورزشکار و... باشند.

بخشی از تحولات منفی که پرستش چنین شخصیت‌هایی در خانواده‌ها ایجاد می‌کنند، به الگوسازی غلط برای کودکان و نوجوانان مربوط می‌شود. این شخصیت‌ها تنها در یک بعد، یعنی بعد فعالیت تخصصی‌شان به موفقیتی دست یافته‌اند، ولی در زمینه اخلاقیات و بعد معنوی، شاید بدین سطح از پیشرفت نرسیده باشند. این شخصیت‌ها در خانواده از سوی کودکان، مورد تقلید قرار می‌گیرند، هر خطای آنان، منجر به خطاهای بی‌شمار، توسط مقلدینش خواهد شد؛ چنان‌که برخی از کودکان دوره پهلوی، سیگار را تنها به دلیل حس هم‌ذات‌پنداری با یکی از بازیگران سینما استعمال می‌کردند.

بخش دیگری از این تحول منفی، زمانی است که یکی از طرفین ازدواج، در تعلق خاطر به شخصیت محبوبش، افراط می‌نماید، عکس وی را به دیوار اتاقش می‌آویزد و عملاً طرف مقابل را به بیراهه رفتن تشویق می‌کند. محبت به افراد تک‌بعدی جامعه، هم از بعد اجتماعی عامل تحول منفی در خانواده شده، هم باعث می‌شود که اعضای خانواده از تربیت معنوی بازمانند. در احادیث و روایات، افراد را به محبت به اهل بیت (ع) توصیه کرده‌اند، زیرا چنین محبتی باعث بالا رفتن مبانی معرفتی می‌شود. از صریح‌ترین دستورات رسول‌الله (ص) همین محبت و توجه قلبی به اهل بیت (ع) است: «لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَكُونَ عِزَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِزَّتِهِ وَ يَكُونَ أَهْلِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِهِ وَ

تَكُونُ ذَاتِي أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ ذَاتِهِ» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۸۶)، «هیچ بنده‌ای ایمان به خداوند ندارد، تا این‌که من در نزد او، از خودش محبوب‌تر باشم، و عترت مرا بیش از عترت خودش و خانواده‌ام را بیش از خانواده خودش، و ذات مرا بیش از ذات خودش دوست داشته باشد (چون آن‌ها خودِ برترِ ما هستند). توجه به ائمه (ع)، بنا به حدیث روایت شده از حضرت حجت (عج)، باید همراه با محبت باشد: «اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السَّيِّئَةِ الْوَاضِحَةِ»، «توجهتان را نسبت به ما براساس محبت و سنت‌های روشن شرعی قرار دهید» (اکبرنژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۹). حضرت قائم (عج) به عنوان عصاره تمام خوبی‌های اهل‌بیت (ع)، شایسته‌ترین فرد برای الگوسازی و تعلق خاطر است. از آن جهت که این تعلق خاطر، باعث می‌شود شخص تمام توجه قلبی خویش را به منویات حضرتش معطوف بدارد. الگوسازی‌ها از تک‌بعدی، به چندبعدی تغییر می‌یابد. امام، جامع تمام ابعاد بشری و ابعاد روحی و معرفتی می‌باشد. بدیهی است که یکی از آثار چنین محبتی، اطاعت محض از فرامین امام است. براساس روایتی از امام صادق (ع)، پیروی از امام، به آرامش و زائل شدن ترس بشر منتج خواهد شد. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «ای ابو بصیر، خوشا به حال شیعیان و پیروان قائم ما اهل‌بیت (ع)، چون آن‌ها در زمان غیبت او منتظر ظهور او هستند و وقتی آن حضرت ظهور نماید، در زمان ظهورش، مطیع و فرمان‌بردار او خواهند بود. آنان اولیای خدایند و هیچ ترس و اندوهی بر آنان وجود ندارد» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۱۵۰).

۴-۳. گسترش و ترویج دنیاگرایی در خانواده‌ها

یکی دیگر از دگردیسی‌هایی که نظام خانواده در پیش از ظهور، بدان دچار می‌شود گسترش و ترویج دنیاگرایی است. این مطلب مورد تأکید روایات نیز می‌باشد. بر طبق روایتی از رسول‌الله (ص)، ایشان از پدران آخرالزمانی اعلام بیزاری فرموده که تنها انتظارشان از فرزندان، کسب مادیات است و «تنها از آن خشنودند که آن‌ها (فرزندان) درآمدی راحت از مال دنیا داشته باشند، هرچند ناچیز؛ من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزار» (شعیری، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۶؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۴). از امام صادق (ع) نیز نقل شده: «در آخرالزمان، مردم همت را به پر کردن شکم و شهوت‌پرستی مصروف می‌دارند؛ بی‌آنکه در حلال و حرام آن لقمه، شکی به دل راه دهند، و یا اطفای آتش شهوتشان مشروع بوده یا نامشروع» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۴۲؛ مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۲۵۹). این بحث، یکی از مباحث جدی خانواده‌های امروزی است. اگر زمانی به کودک خود می‌آموختند که علم بهتر از ثروت است، امروزه، ثروت را آمال و آرزو معرفی می‌نمایند. از آنجایی که به زعم این

عده، هدف وسیله را توجیه می‌کند، حلال و حرام بودن چنین ثروتی، اهمیت ندارد. براساس روایتی در عصر ظهور، ثروت‌های روی زمین و منابع زیر زمین، نزد آن حضرت گرد می‌آید. آن‌گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند: «قل تعالوا إلى ما قطعتم فيه الأرحام و سفكتم فيه الدم الحرام...»، «بیاید بگیریید، بگیریید آنچه را برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و به خون‌ریزی و گناهان دست می‌زدید؛ او چنان اموال را می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است» (جزایری، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۹۵). نیز: «يُسَوِّى بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تُرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ»، «او اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می‌کند که دیگر نمی‌یابی تا به او زکات دهد» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۳۹۰). در حقیقت، این حدیث، توصیفی دقیق از وضعیت اقتصادی و اجتماعی عصر پیش از ظهور است که همه مردم و از جمله خانواده، بدان مبتلا خواهند شد.

۴-۴. عدم پویایی در زندگی امروزی و مخاطرات روانی

توجه شدید به مادیات، به خودی خود، سبب دور شدن از معنویات می‌باشد؛ لیکن یکی از عوارض روحی آن، انزوا و عدم پویایی است که به نومییدی و یأس منجر می‌شود. ناامیدی را نمی‌توان صرفاً به شرایط بد اقتصادی منوط دانست؛ چراکه طبق تحقیقات کشور سوئد که به عنوان یکی از مرفه‌ترین کشورهای دنیا است، در همین کشور «از هر ده نفر، یک نفر تصمیم می‌گیرد، خودکشی کند... و از هر صد نفر، پنجاه نفر به خودکشی فکر کرده‌اند». گرایش به خودکشی، از رکود زندگی‌ها ناشی می‌شود. در اغلب جوامع، این رکود و عدم پویایی، به صورت پدیده «زندگی مجردی» و «تنهایی» خود را نشان می‌دهد. «کم شدن قبح تک‌زیستی و مجرد، و کاهش قداست و اهمیت تشکیل خانواده نیز در افزایش سن ازدواج مؤثر است و این احتمال وجود دارد که در دهه‌های آینده، اگر دگرگونی اساسی در نگرش‌ها و سیاست‌ها رخ ندهد، صدها هزار زن و مرد مجرد ایرانی در خانه‌های مستقل، به شکل تک‌زیست، به زندگی ادامه دهند» (حق‌شناس، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

شهید مطهری، در تناظر با عقاید اقبال لاهوری، علت این تنهایی و انزوای روحی را که خود غربی‌ها، و در مرتبه دوم، مقلدین ایشان در سایر جوامع، بدان دچار شده‌اند، در مادی‌گرایی صرف می‌داند. چنان‌که به نقل از این اندیشمند جهان اسلام از نیاز بشر به داشتن تعبیری روحانی از دنیا سخن می‌گوید و می‌نویسد: «تعبیری روحانی از جهان، یعنی اولین چیزی که بشر بدان نیاز دارد، این است که جهان تعبیری روحانی و معنوی بشود نه تفسیری مادی. اولین چیزی که بشر را سرگردان کرده و به موجب آن هیچ فکر و عقیده‌ای به صورت ایمان واقعی در بشر به وجود نمی‌آید، ماتریالیسم و مادی‌گری

می‌باشد، تفسیر جهان است به صورت مادی که هرچه هست، مادیات است، جهان کور و کر است ... جهان، هدف سرش نمی‌شود، جهان حق و باطل نمی‌فهمد، جهان درست و نادرست نمی‌فهمد، در جهان حق و باطل با یک مقیاس سنجیده می‌شود، هیچ در دنیا هدف ندارد و ما به عبث آفریده شدیم...» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۷-۱۸).

۴-۵. تحمیل خواسته‌ها توسط یک عضو خانواده بر سایرین

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، رفع نیازهای اولیه است، لیکن وقتی یکی از اعضای خانواده، در این زمینه، اصرار نابه‌جا داشته باشند یا سطح توقعاتشان بالا برود، زندگی به سمت تحول منفی پیش می‌رود. از آن جایی که در عصر ظهور، این تحول منفی، با تعدیل خواسته‌ها و استغنائای بشر تغییر می‌یابد، باید عصر ظهور، عصر استغنائای بشر باشد: «وَيَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ»، «خداوند بی‌نیازی را در دل‌های این امت قرار می‌دهد» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۴). نیز: «إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ أَلْقَى اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ»، «هنگامی که مهدی قیام می‌کند، خداوند در دل‌های بندگان بی‌نیازی می‌افکند». «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى النَّاسُ»، «چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و مردم همگی بی‌نیاز می‌شوند» (مرعشی نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۳۳۴).

در کارکرد اقتصادی خانواده نیز، رفع نیازهای مادی و تعدیل خواسته‌ها در اولویت اصلی قرار دارد. در عصر ظهور، اصول صحیح اقتصادی به طور کامل کاربردی شده و با رفع نیازهای مادی انسان‌ها و در عین حال، تربیت صحیح آنان، مشکلات ناشی از دنیاگرایی رفع شده و اقتصاد خانواده در مسیر درست خود قرار می‌گیرد.

براساس روایتی، ثروت‌های روی زمین و منابع زیر زمین، نزد آن حضرت گرد می‌آید. آن‌گاه حضرت به مردم خطاب می‌کند: «بیاید بگیریید، بگیریید آنچه را برایش خویشاوندی را قطع می‌کردید و خون‌ریزی می‌کردید و به خون‌ریزی و گناهان دست می‌زدید؛ او چنان اموال را می‌بخشد که کسی پیش از او چنان نکرده است» (جزایری، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۹۵). نیز: «يُسَوِّى بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تُرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ»، «او اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می‌کند که دیگر نمی‌یابی تا به او زکات دهد» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۳۹۰).

مهم‌تر از همه، کمک به خانواده‌ها در جهت برطرف کردن نگرانی‌ها و سختی‌های معیشتی و زندگی مادی است تا در پرتو آن، بهتر بتوانند به امور عبادی و دینی خود پردازند: «كُفَيْتُمْ مَوْنَهُ الطَّلَبِ وَالتَّعْسُفِ

وَ تَبَدُّثُمُ الثَّقَلَ الْفَادِحَ عَنِ الْأَعْنَاقِ»، «اگر از مهدی پیروی کنید، از رنج طلب و سختی [برای دستیابی به وسایل زندگی] آسوده می‌شوید و او بار سنگین را از گردن‌ها برمی‌دارد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۲۶۶).

وقتی خواسته‌های همسر، فراتر از توان شوهر باشد، مرد برای کسب مادیات، از اخلاق فاصله می‌گیرد. در چنین خانواده‌ای، میزان تعهد زوجین با میزان فراهم آوردن مادیات اندازه‌گیری می‌شود. هیچ ارزشی جز مادیات، ضامن هم‌گرایی در خانواده نخواهد بود. به عبارت دیگر، منافع مادی عامل و ضامن بقای خانواده است، نه ارزش‌های معنوی. زندگی خانوادگی شبیه زندگی‌های تشکیلاتی یا شرکتی می‌شود.

در دنیای غرب، فلاسفه‌ای همچون راسل^۱ هیچ ریشه‌ای برای اخلاق اجتماعی قائل نیست (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۸) و همه را در منافع فرد جستجو می‌کند. زندگی غربی چنین است که اخلاق اجتماعی در آن، «نوعی قرارداد است که افراد با یکدیگر می‌بندند، زیرا همه افراد این را درک کرده‌اند که حفظ بهتر منافعشان در این است که حقوق و وجود یکدیگر را رعایت کنند» (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۸). در چنین خانواده‌هایی اخلاق اجتماعی را منافع فردی، معیارگذاری می‌کند. «در واقع ریشه احترام افراد، نسبت به حقوق یکدیگر را همان می‌دانند که یک عده شرکا، حقوق یکدیگر را محترم بشمارند» (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۲۹). استاد مطهری در رد این نظریه می‌گوید: «دزدها هم روابطشان با هم این طور است» (همان، ص ۲۹).

سخت‌گیری ناشی از تحمیل خواسته‌های زوجین، یکی از مواردی است که مانع هم‌گرایی در خانواده است. بزرگان دین، مردم را به تساهل و سهل‌گیری دعوت نموده‌اند. «هرکس با تساهل، نرمی و راحتی رفتار کند، خداوند او را بر آتش حرام می‌گرداند» (احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۸۱). براساس همین روایت، سخت‌گیری لازمه خشونت رفتار است. از این جهت، پس از تساهل، از نرمی و راحتی رفتار سخن رفته است. براساس تناظر این ردائل با هم و فضائل در کنار هم که فرموده: «سهل‌گیر باشید، نه سخت‌گیر، و گشاده‌رو باشید، نه سبب نفرت» (همان، ص ۷۲۸). سخت‌گیری، معادل خشونت و در نتیجه، سبب نفرت دانسته شده است. بنابراین می‌توان گفت، از دیگر نتایج عدم تعقل و خردورزی در خانواده، خشم و تندخویی است. در احادیث، صبر را کلیدی در مواجهه با آن دانسته‌اند، هر کجا از

1. Rasel

خشم، سخن به میان آمده، صبر را چاره معرفی کرده‌اند: «در بهشت، مقامی است که تنها سه گروه به آن خواهند رسید: پیشوای عادل، آن کس که صله رحم کند و کسی که در قبال عائله خویش صبور باشد» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۴۵، ص ۹۰). «هر کس بر بدخلقی همسرش، به خاطر خدا، صبر پیشه کند، خداوند به ازای هر موردی که در آن صبر پیشه سازد، ثوابی برابر ثواب ایوب بر بلاهای خود، اعطاء خواهد کرد» (حرعاملی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۶۳). «هرکس بر بدخلقی همسرش، به توقع پاداش از خداوند، صبر پیشه سازد، خداوند، پاداش شکرگزاران را به وی اعطاء می‌کند» (همان).

۴-۶. از هم‌گسیختگی روابط عاطفی با رشد و گسترش تفکر فمینیستی

و در آخرالزمان «مرد از همسرش اطلاعات می‌کند، ولی سر به فرمان پدر و مادر خویش فرود نمی‌آورد» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۲۶۴). تصویری که از وضعیت زنان و آزادی افراتی آن‌ها در عصر متصل به ظهور وجود دارد، به وضوح نابودی نهاد خانواده را تبیین می‌کند. «دجال وقتی می‌آید، که ... با زنان مشورت می‌کنند. زنان نوازنده، آلات طرب و موسیقی به دست گرفته، نوازندگی کنند ... زن‌ها بر زین‌ها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند...» (مجلسی، ۱۳۹۴، ج ۱۳، ص ۹۶۳).

این روایت ناظر بر از میان رفتن نقش‌های اجتماعی زن و مرد در خانواده است. از میان رفتن شأن مادر و عدم پذیرش تفاوت‌های جنسیتی از سوی زنان که محصول مستقیم تفکرات فمینیستی است، یکی از مشکلات مهم در عصر کنونی می‌باشد.

در احادیث و روایات معصومین، احترام به زن امری محمود است، و اهانت به ایشان مذموم شمرده شده، چنان‌که آمده: «جز شخص کریم، زنان را تکریم نمی‌کند و جز شخص پست به آنان اهانت روا نمی‌دارد» (پاینده، ۱۳۷۶، ص ۴۷۲). لیکن، تفسیر غلط از آن، یعنی آزاد گذاشتن زن، باعث از هم‌گسیختگی عاطفی در خانواده خواهد شد. این آزادی، هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و حتی با تفسیر غلطی که از مفهوم آزادی در جامعه وجود دارد، به آزادی در روابط جنسی تبدیل شده است. این تغییر در نگرش به آزادی، که به فعالیت جنسی نیز کشیده شده، به مفهومی خطرناک تبدیل شده است. «نگرش عمومی گذشته، به فعالیت جنسی به عنوان عملی صرفاً در جهت تولید مثل، به نگرشی جدید تغییر یافته است که آن را نوعی بازآفرینی تلقی می‌کند؛ و این، یکی از عواملی است که با افزایش بی‌بندوباری جنسی در قالب روابط خارج از چارچوب ازدواج همراه است» (بستان (نجفی)، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴).

مردی که به همسر خویش آزادی مطلق می‌دهد، هرگز نمی‌تواند مانع آزادی وی در ارتباطاتش باشد و بی‌شک چنین آزادی، به انحراف اخلاقی ختم خواهد شد. یکی از این انحرافات، ارتباط فرزاناشویی

در ارضای میل جنسی است. «آزادی ارتباطات جنسی قبل و بیرون از زناشویی به شیوه‌های گوناگون، جذابیت جنسی هر يك از زن و شوهر را برای دیگری تقلیل می‌دهد و طلاق را که با همبستگی جنسی دو طرف نسبت معکوس دارد، افزایش می‌دهد» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۳۲۶).

۴-۷. دگردیسی در ساختار خانواده

یکی دیگر از تغییرات در نظام خانواده پیش از ظهور، تغییر در ساختار خانواده است. این امر با از بین رفتن اقتدار پدر به عنوان ستون اصلی خانواده، بیشتر خود را نشان می‌دهد. حذف جایگاه پدر از هرم خانواده باعث می‌شود «ساختار خانواده که بر پایه مدل عمودی و رابطه طولی پدر، مادر و فرزندان مبتنی بود و پدر را در جایگاه سرپرستی خانواده قرار می‌داد، به چالش کشیده شود، و درگام نخست، الگوی دو پله‌ای که پدر و مادر را در يك رتبه و فرزندان را در رتبه بعد قرار می‌داد و سرپرستی خانواده را به‌طور مساوی توزیع می‌کرد، جایگزینی برای ساختار سنتی خانواده شود؛ و در مرحله بعد، ساختار افقی دموکراسی در خانواده که تمام اعضا را در يك خط افقی، هم‌رتبه قرار می‌داد، پیشنهاد گردید. در نتیجه، خانواده نه به‌مثابه نهادی منسجم که نیازمند رهبری متمرکز است، تعریف می‌شد، نه فرزندان برای رشد و تعالی خود نیازمند نظارت والدین بودند، و نه انتظار می‌رفت پدر نقشی خاص در درون خانواده ایفا کند. چنان‌که در برخی کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه و انگلستان، تأمین هزینه‌های خانواده از انحصار مرد خارج شد و به‌طور مشترك بر عهده زن و مرد قرار گرفت» (محسنی، ۱۳۷۹، ص ۱۳).

۴-۸. الگوهای خانواده، در جامعه امروزی

الف) هرمی یا سنتی: در الگوی هرمی پدر در رأس هرم، و مادر تکیه‌گاه عاطفی خانواده و فرزندان مستقیماً با مادر، و غیر مستقیم با پدر در ارتباط هستند.

ب) الگوی مربعی شکل: این الگو متعلق به خانواده‌هایی است که پدر و مادر هر دو شاغل هستند. در چنین الگویی، پدر و مادر به میزان یکسان نقش دارند. آیهت مرد تقریباً از میان رفته است. فرزندان اگرچه در مرتبه دوم از اهمیت و نقش در خانواده قرار دارند، لیکن به صورت مهره‌هایی تقریباً جدا از والدین در حرکت هستند.

ج) الگوی بیضی: بر طبق این الگو، اعضای خانواده به صورت مهره‌هایی شناور در یک بیضی نشان داده می‌شوند و هیچ تفاوتی میان اعضای خانواده مشاهده نمی‌شود. نه کارکردها و نه نقش‌ها، فقط فرزندان در اینجا از نان پدر و مادر ارتزاق می‌کنند، بی‌آنکه نسبت به خانواده، تعهدی در خویش احساس کنند.

حدیثی در مورد فرزندان آخراالزمان موجود است که دقیقاً، الگوی بیضوی خانواده را به یاد می‌آورد. در این حدیث از نفرین و لعن شدن والدین توسط فرزندان، و خرسندی بر مرگ ایشان توسط فرزندان سخن به میان آمده است (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۵۲، ص ۲۵۹).

وقتی الگوی مدیریتی در خانواده، به اشکال دوم و سوم تغییر یابد، اقتدار اخلاقی مرد نیز از میان می‌رود. مرد، عملاً هیچ کنترلی بر فرزند نخواهد داشت؛ کنترل او بر همسر نیز از میان خواهد رفت. رابطه، تنها براساس احترامی جزئی خواهد بود. مردی که مسئولیت اخلاقی اش توسط خانواده از میان می‌رود، خود نخستین قربانی خواهد بود. «مسئولیت‌های اخلاقی، سرچشمه قواعد اخلاقی مردانه هستند که اگر نباشند، آنها (مردان) به بی‌راهه کشیده می‌شوند و نه تنها در خانه، بلکه در محیط بازار نیز از مسئولیت‌هایشان شانه خالی می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۶۴). با از بین رفتن اقتدار مرد، «مسئولیت او به عنوان یک ارزش معنوی در مکتب انسانیت» از بین می‌رود (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

در چنین شرایطی، نقش تربیتی مرد، همچون اقتدار وی محو خواهد شد. او توانایی تاثیرگذاری بر فرزندان را از دست خواهد داد و هر کس به روش مورد قبول خود رفتار خواهد کرد. وقتی خانواده از شکل سنتی خارج شود، پیوندهای اجتماعی خانواده‌ها نیز قطع خواهد شد. خانواده‌ای بریده از بافت‌های دیگر نظیر «خانواده برادرها، خواهرها، برادرزن، خواهرزن، داماد، ...» می‌کوشد با صنعت و بوروکراسی به پیش برود، بی‌آنکه از تاثیر چنین اقدامی آگاه باشد. «صنعت و گسترش بوروکراسی، باعث سست و فرسوده شدن پیوندهای اجتماعی سنتی» می‌شود (عضدانلو، ۱۳۸۴، ص ۲۲۵).

بهترین راه مقابله با زوال ارزش‌ها در خانواده، بازگشت به سیستم هرمی در خانواده‌ها یا همان الگوی سنتی است. زیرا طبق روایتی از امام قائم (عج)، بهترین کار آن است که «در خانه‌های خود بمانید تا هنگام ظهور امر ما آشکار گردد» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۳۰، ص ۸۰).

۴-۹. کوتاهی در جامعه‌پذیری دینی و تربیت معنوی فرزندان

عدم تربیت معنوی فرزندان یکی دیگر از عوارضی است که دامن‌گیر خانواده در پیش از عصر ظهور می‌شود، این امر را می‌توان از روایاتی که وضعیت آخراالزمان را ترسیم کرده‌اند، بدست آورد. بر طبق روایاتی، پدران آخراالزمان، عامدانه در پرورش معنوی فرزندان قصور می‌ورزند: «وای بر اولاد آخراالزمان از سیرت پدرانشان، نه از پدرانی که مشرکند، از پدرانی که به کیش مسلمان هستند؛ لیکن از فرائض دینی، سخنی به اولاد نمی‌آموزند. حتی اگر فرزندان در پی کسب معارف دینی باشند، والدینشان مانع می‌شوند» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۴).

خانواده‌ای که هم‌اکنون در عصر غیبت امام عصر (عج) به سر می‌برد، در دنیایی از تعارضات و تناقضات باید صراط مستقیم را بی‌ماید. باید به جبل‌المتینی چنگ بزند که می‌تواند ایشان را از تناقضات و تعارضات رهایی دهد، و کدام جبل‌المتین قوی‌تر از فرهنگ ناب اهل‌البیت (ع) است؟ زیرا این فرهنگ، ادامه حقیقی فرهنگ نبوی بوده، و عصاره فرهنگ اهل‌البیت (ع)، «فرهنگ مهدوی» است. فرهنگ مهدویت یعنی «مجموعه تعالیم، سخنان، ادعیه و زیارات، توقیعات و مبانی کلامی برخاسته از اعتقاد به امامت مهدوی، فرهنگ مهدوی را شکل می‌دهد که بدان «آموزه مهدویت» نیز گویند» (آقاتهرانی و حیدری کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۵۵). بخشی از این آموزه‌ها، شامل ادعیه، احادیث، و نمازهایی است که به امام قائم (عج) منسوب هستند، یا جهت تعجیل در ظهور، و یا طلب حوائج و رفع مشکلات دنیوی و معنوی می‌باشند که در کتاب صحیفه مهدیه گردآوری شده‌اند (مجتهدی سیستانی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸-۱۷۹).

می‌توان با استناد به احادیث منقول از حضرت قائم (عج) به دورنمایی از تعلیم و تربیت در خانواده از منظر ایشان رسید. حضرت شیعیان را به پیروی از سنت و احیای آن فراخوانده است. در روایتی، حفاظت از دین خدا و اطلاعات از خدا و رسولش به شیعیان فرض و توصیه‌ای مؤکد شده و امر گردیده تا آنچه را قرآن زنده نگه داشته، زنده نگاه دارند و آنچه باطل دانسته، باطل بدانند: «وانی ادعوم الی الله و الی رسوله و العمل بکتابه و امانه الباطل و احیاء سنته»، «و من به خدا و رسول خدا (ص) و عمل به کتاب وی و ابطال باطل و احیای سنت وی شما را فرامی‌خوانم» (مقدس، ۱۳۹۹ق، ص ۱۴۶). تعلیم و تربیت در عصر ظهور، چنان متفاوت خواهد بود که حتی قرائت قرآن نیز شکلی متفاوت می‌یابد؛ چنان‌که در روایتی آمده: «هنگامی که قائم آل محمد (ع) قیام کند، خیمه‌هایی برپا کند و قرآن را به ترتیبی که فرود آمده، بر مردم بیاموزد، آن روز برای کسانی که قرآن را حفظ کرده‌اند، بسیار دشوار است، زیرا آن طرز آموختن، مخالف با ترتیب کنونی آن است» (مفید، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۶۱).

امام صادق (ع) این دگردیسی عمیق در آموزش و پرورش خانواده‌ها و کلیت جامعه را کاملاً به صورت دقیق توصیف کرده است: «إذا خرج القائم یقوم بأمرٍ جدید و کتاب جدید و سنّة و قضاء جدید»، «هنگامی که قائم قیام کند، کرداری تازه، مصحفی تازه، راه و رسمی نو و قضاوتی جدید با خود به همراه می‌آورد» (حرعاملی، ۱۴۲۷ق، ج ۷، ص ۸۳). لازم به یادآوری است منظور از کتاب تازه، هرگز به معنی آوردن قرآن جدیدی نیست، بلکه مراد، ارائه تفسیری است که تا آن روز، مردم با آن آشنا نبوده‌اند. لذا، این امر برای مردم تازگی خواهد داشت که در این روایت از آن به کتاب جدید، تعبیر شده است.

۵. نتیجه گیری

در این پژوهش، مواردی از تحولات منفی خانواده در عصر انتظار با تطبیق به تحولات مثبتی که در این نهاد در عصر ظهور رخ می‌دهد، شناسایی و مورد تحلیل قرار داده شده است. براساس روایاتی که تحولات عصر ظهور را در خانواده و جامعه بازگو می‌کنند، می‌توان از آنها تحولات منفی‌ای را که دامن‌گیر خانواده در پیش از ظهور می‌شود، شناسائی نمود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

(۱) از میان رفتن اخلاق به علت عدم تعقل در خانواده: این تحول منفی، خود مسبب تحولات منفی جدی دیگری است،

(۲) دنیاگرایی در خانواده‌ها که منجر به اضمحلال جایگاه و شخصیت افراد خانواده می‌شود،

(۳) آزادی زنان و گسترش تفکرات فمینیستی،

(۴) دگردیسی منفی در ساختار ظاهری خانواده‌ها از شکل سنتی به مدرنیته، که خود منشاء تحولات منفی دیگر هستند،

(۵) کوتاهی در آموزش و پرورش دینی و معنوی فرزندان.

با بررسی احادیث و روایاتی که دوران ظهور را ترسیم می‌کنند، می‌توان تحولات منفی نهاد خانواده را در چند مورد زیر خلاصه کرد:

(۱) دور شدن از فرهنگ و آموزه‌های مهدویت به دلیل عدم آموزش و پرورش فرزندان در خانواده‌ها. این امر به سقوط اخلاقی و فکری خانواده‌ها و اجتماع منجر شده است،

(۲) مادی‌گرایی افراطی که دقیقاً از خانواده‌ها شروع می‌شود،

(۳) چیرگی احساسات دنیوی یا فقر شدید خردورزی و تعقل در خانواده‌ها.

از تمام این مباحث می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر در خانواده‌ها خردورزی حاکم شود، و والدین، فرزندان را به تحصیل آموزه‌های مهدوی و سنت رسول‌الله (ص) ترغیب کنند، خانواده، به رشد و تعالی جامعه، کمک خواهد کرد و چنین است که مایهٔ خشنودی امام عصر (عج) فراهم خواهد شد.

براساس این روایات، بیشترین نفرت رسول‌الله (ص) و امام موعود (عج)، نه از کفار و مشرکین، بلکه از والدینی است که فرزندان را به کسب مادیات تشویق می‌کنند و عامدانه مانع کسب فضائل و آموزه‌های معنوی فرزندان خویش خواهند بود. با توجه به رابطه دومینویی رذائل اخلاقی، اگر در تربیت فرزندان دقت به عمل آید، سایر رذیلت‌ها از خانواده و اجتماع، رخت می‌بندد و فضیلت‌ها، یکی پس از دیگری از راه می‌رسند.

— منابع —

قرآن کریم.

۱. احسانی، ابن ابی‌جمهور (۱۴۰۵ق). *عوالی اللّٰثالی*. قم: سیدالشهداء، ج ۱.
۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*. ترجمه علی بن حسن زواره‌ای. تهران: اسلامیه، ج ۲.
۳. اکبرنژاد، محمدمتقی (۱۳۸۷). *کلمات قصار امام علیه‌السلام*. قم: مسجد مقدس جمکران.
۴. امیری قانمی، علی (۱۳۹۲). *خانواده در اسلام، متون درسی رشته مدیریت خانواده*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۵. آقانهانی، مرتضی؛ حیدری کاشانی، محمدباقر (۱۳۸۹). *خانواده و تربیت مهدوی*. قم: طلیعه ظهور.
۶. برونو، فرانک (بی‌تا). *فرهنگ اصطلاحات روانشناسی*. تهران: بی‌تا.
۷. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۳). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۶). *نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم(ص))*. تهران: جاویدان، چاپ دوم.
۹. جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله (۱۴۲۷ق). *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار*. بیروت: موسسه التاريخ العربی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۷.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۴). *مسائل الشيعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، ج ۲۲، ۱۴، ۲۰، ۱۶.
۱۲. حق‌شناس، جعفر (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی خانواده*. تهران: نشر مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *فرهنگ دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران، ج ۷.
۱۴. رحیم‌پور، مهناز (بی‌تا). *سیمای منتظران در قرآن*. *تبیات*، ۲۱(۸۳)، ص ۱۳۶-۱۲۹.
۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *دائرةالمعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.
۱۶. شعیری، محمد بن محمد (۱۴۰۴ق). *جامع الاخبار*. قم: مؤسسه آل‌البيت(ع).
۱۷. شیخ صدوق (۱۳۷۷). *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*. تهران: کتابفروشی اسلامیه، ج ۱.
۱۸. شیخ صدوق (۱۳۸۵). *من لایحضره الفقیه*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: مکتبه الصدوق، ج ۱-۳.
۱۹. شیخ صدوق (۱۳۹۲ق). *من لایحضره الفقیه*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: مکتبه الصدوق، ج ۳.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۷). *منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر*. قم: حضرت معصومه(س).
۲۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
۲۲. عضداندلو، حمید (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
۲۴. فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تحول و تکامل جامعه*. تهران: بوعلی.
۲۵. فیض کاشانی، محمد (۱۳۸۳). *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*. قم: جامعه مدرسین، ج ۵.
۲۶. قانمی، علی (۱۳۷۳). *نظام حیات خانواده در اسلام*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۷. کارگر، رحیم (۱۳۷۸). *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج).
۲۸. کونز، بروس (۱۳۷۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر توتیا.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۸.

۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *فراسوی چپ و راست*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
۳۱. مجتهدی سیستانی، مرتضی (۱۳۸۸). *صحیفه مهدیه*. قم: الماس.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۴). *مهدی موعود*. ترجمه علی دوانی. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع)، ج ۱۳.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). *بحار الانوار*. تهران: المکتبه الاسلامیه، ج ۷۶، ۵۲، ۲۷، ۴۵، ۳۰.
۳۴. محسنی، سعید (۱۳۷۹). *نقشه زوجه در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع).
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۸). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۱۱.
۳۷. مطهری، علی (۱۳۹۰). *هدف زندگی*. تهران: صدرا، چاپ چهاردهم.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). *احیای تفکر اسلامی*. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، چاپ نوزدهم.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *قیام و انقلاب مهدی*. قم: صدرا، چاپ بیست و نهم.
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۳۹۲). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد، ج ۲.
۴۱. مقدسی، یوسف (۱۳۹۹ق). *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*. قاهره: مکتبه عالم الفکر.
۴۲. نعمانی، ابوعبدالله (۱۳۹۷). *الغیبه*. ترجمه مجتبی عزیزی. قم: مسجد مقدس جمکران.
۴۳. نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ج ۱۵.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2020.1495

محمدزاده بنی‌طرفی، مهدی؛ مشهدی، حمیدرضا (۱۳۹۹). دگردیسی‌های نهاد خانواده در عصر غیبت. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۱(۱)، ص ۱۱۹-۱۴۰.